

سلاگوسیا لیسیم



تحولات اقتصادی

در راستای رسیدن به

سوسیالیسم

«محمد رضا»

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم

«محمد رضا»

گردآوری و انتشار مجدد: سلام سوسیالیسم

سلام سوسیالیسم

<http://salam-socialism.blogfa.com/>

توضیح «سلام سوسیالیسم» : «تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم» از جمله نوشته‌های ارزشمندی است که رفیق گرامی‌مان، «محمد رضا» در چند شماره در وبلاگ «پرنده‌ای در دوزخ» منتشر کرده‌اند. هنوز قسمت آخر از این نوشته منتشر نشده بود که نویسنده محترم وبلاگ به دلیل فیلتر شدن وبلاگ «پرنده‌ای در دوزخ» آدرس جدیدی انتخاب نمودند و تصمیم گرفتند که از این پس نوشته‌هایشان را در وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک» انتشار دهند.

با وجود اینکه ایشان و نوشته‌هایشان در فضای مجازی برای بیشتر هواداران سوسیالیسم علمی شناخته شده هستند، سلام سوسیالیسم با هدف آسان نمودن دسترسی علاقمندانی که تا کنون موفق به خواندن این نوشته‌ها (یا بخشی از آنها) نشده‌اند تصمیم به گردآوری و انتشار مجدد سلسله مقالات ایشان گرفته است. سعی می‌کنیم باقی نوشته‌های چند قسمتی ایشان درباره مقولات اساسی دانش سوسیالیستی را نیز به زودی گردآوری و منتشر کنیم.

برای ایشان روزهای پرکار و پربراری همچون گذشته آرزو مندیم.

در زیر آدرس وبلاگ قبلی (فیلتر شده) رفیق گرامی محمد رضا و آدرس وبلاگ جدید ایشان را می‌بینید:

<http://rahtoosheh.blogfa.com/>

<http://rahtoosheh2.blogfa.com/>

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم

مقدمه: با توجه به این موضوع که عامل اقتصاد در پیشرفت سوسیالیستی جامعه نقشی اساسی را ایفا می‌نماید، تصمیم گرفتم که در چندین مقاله به بررسی تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم بپردازم. پیشتر، در مقاله‌های "اقتصاد سوسیالیستی به زبانی ساده" به بررسی جزئیات اقتصاد سوسیالیستی، بیشتر در داخل جامعه و درون کارخانه‌ها پرداختم اما در این مقاله تغییرات سوسیالیستی در قالب کلی جامعه را بررسی می‌نمایم. امیدوارم این سری مقالات مورد توجه خوانندگان قرار گرفته و در شناساندن حقیقت سوسیالیسم و رسیدن به آن موثر واقع گردد.

ملی کردن سوسیالیستی

ملی کردن سوسیالیستی به معنای مصادره کردن و به مالکیت دولت درآوردن وسایل تولیدی است که تا آن هنگام به بورژوازی تعلق داشت: کارخانه‌ها، راه‌های آهن، حمل و نقل دریایی و رودخانه‌ای، موسسات بزرگ کشاورزی و تجاری و غیره. با این اقدام انقلابی مالکیت سرمایه داری از میان می‌رود و مالکیت سوسیالیستی جانشین آن می‌شود. عمل ملی کردن باید بنای اصلی را بر صنایع و بانک‌ها بگذارد و دولت باید انحصار تجارت خارجی را در اختیار داشته باشد تا با تصرف مواضع کلیدی بتواند رشد اقتصادی را در جهت منافع زحمتکشان انداخته و تولید مبتنی بر نقشه را سازمان دهد، توزیع و مصرف را نظارت کند و استقلال اقتصادی را در قبال سرمایه داری صیانت را نماید.

در اثر اقدام به ملی کردن‌ها در اقتصاد ملی، بخش سوسیالیستی شکل می‌گیرد که شیوه‌ای از تولید است که مشخصه آن را تعاون و همیاری می‌سازد و یا اشکال توزیع اجتماعی است که مشخصه آن بنا بر کار هر کس تعیین می‌شود. شیوه سوسیالیستی، استثمار را ملغی کرده و به تضاد میان خصلت‌های اجتماعی تولید و توزیع خصوصی آن که مشخصه سرمایه داری است پایان می‌دهد.

دولت سوسیالیستی با بنگاه‌های ملی شده اساس محکمی پیدا می‌کند، که در طول حرکت به سوی سوسیالیسم هر دم وسعت می‌گیرد. برنامه ملی کردن بنا بر اوضاع و احوال مشخص ممکن است بلافاصله و یا با وساطت مراحل میانی صورت گیرد.

یکی از این مراحل گذاری، مرحله‌ای است که به آن سرمایه داری دولتی می‌گویند. البته باید توجه داشت که باید سرمایه داری دولتی در دیکتاتوری پرولتاریا و سرمایه داری دولتی در دولت بورژوازی را از یکدیگر تفکیک نمود. در سرمایه داری دولتی نظارت بر موسسات ملی شده از سوی بورژوازی و نه از سوی طبقه کارگر اعمال می‌شود و این به معنای مبارزه بی وقفه برای برنامه ملی کردن دموکراتیک،

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

برای محدود کردن قدرت انحصارهاست که زحمتکشان کشورهای سرمایه داری و یا وابسته به سرمایه داری موفق می شوند تا حدودی بخش دولتی را در جهت منافع خلق به کار اندازند. اشکال سرمایه داری دولتی بسیار متنوع است. مثلاً یک موسسه بزرگ سرمایه داری را که از سوی دولت خلقی ملی می شود را در نظر بگیریم. این دولت به دلیل ناکافی بودن امکانات مالی، فقدان تجربه در زمینه مدیریت و یا به علل دیگر موسسه را برای مدتی معین به کارفرمایان خصوصی اجاره می دهد. اجاره کنندگان موظفند تولید را بسط داده، مالیات بپردازند و بخشی از سود خود را به دولت بدهند. دولت نیز به نوبه خود، در صورت نیاز به موسسه در تهیه مواد اولیه کمک می کند و بازار مطمئنی برای آن در نظر می گیرد.

در سرمایه داری دولتی، همچنین موسسه هایی از نوع مختلط پدید می آیند که در آن ها مالکیت میان سرمایه داران و دولت تقسیم می شود و هر یک از این دو به نسبت سهم خود در تولید و سود شریک می شوند و نیز باید به موسسات بزرگ سرمایه داری اشاره کرد که براساس قراردادی با دولت فعالیت می کنند. این قرارداد حاوی تعیین شرایط خرید و فروش، قیمت های عمده فروشی و تک فروشی و غیره است.

برنامه سرمایه داری دولتی به ویژه برای کشورهای عقب مانده توصیه می شود. کشورهایی که بخش عمده ای از تولید کوچک کالایی از نوع ماقبل سرمایه داری را حفظ کرده اند.

اشکال دیگر گذار به ملی کردن را باید در نظارت کارگران بر موسسات سرمایه داری دانست که مستقیماً از سوی خود کارگران انجام می شود. در این روش کارگران بر سازمان و اداره و تولید، استخدام و اخراج، کیفیت محصولات و نحوه فروش آنها و نظام دستمزدها نظارت خواهند کرد.

راهی که توسط زحمتکشان روسیه انتخاب شد، این بود که آنها اشکال متنوعی از نظارت را اعمال نمودند و در آنجا شوراهای کارگری، کمیته های تولید و کمیته های کارخانه ای با ابتکار خود کارخانه ها وجود داشت و وجود این نهادها مستقیماً به ملی کردن می انجامید.

در دوران گذار، برنامه ملی کردن، بنا بر شرایط، کلاً یا بعضاً، بر سرمایه و زمین مالکان بزرگ ارضی و اربابان نیز اعمال می شود. در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی همه این زمین ها ملی شد و به صورت رایگان در اختیار دهقانان قرار گرفت. بخشی از زمین ها نیز به سوخوزها (موسسات تولید کشاورزی وابسته به بخش دولتی) داده شد. کشاورزان روسیه در اثر انقلاب از ماههای نخستین حکومت سوسیالیستی شوروی به بعد بیش از ۱۵۰ میلیون هکتار زمین را که متعلق به مالکان بزرگ بود، صاحب شدند. این اقدام آنها را از پرداخت پول خرید و اجاره که رقم کلی آن به ۷۰۰ میلیون روبل طلا در سال بالغ می شد، رها کرد.

تنوع شیوه‌های اقتصادی در دوران گذار

برنامه ملی کردن در درجه اول، موسسه‌های بزرگ سرمایه داری را که برای انتقال به مالکیت دولت آماده‌سازی دارند، فرا می‌گیرد. در کشورهای سرمایه داری یک چنین موسسه‌هایی در صنعت، تجارت، حمل و نقل و همچنین در کشاورزی، به شکل مزرعه‌ها و مجتمع‌های سرمایه داری وجود دارد. در این مزرعه‌ها و مجتمع‌های کشاورزی مانند موسسه‌های تجاری و صنعتی کارگران مزدگیر کار می‌کنند. پیداست که اگر تولید بزرگ سرمایه داری در همه کشور حاکم باشد، مساله تبدیل مالکیت خصوصی به مالکیت اجتماعی و به طور کلی حل و فصل مساله ساختن سوسیالیسم بسیار آسان خواهد شد: مالکیت اجتماعی از راه برنامه ملی کردن جامع، همگانی خواهد شد.

اما در واقع اوضاع و احوال هیچ‌گاه به این سادگی نیست. حتی در کشورهای سرمایه داری هر قدر هم که پیشرفته باشند، اقتصاد بزرگ سرمایه داری با اشکال اقتصادی ناشی شده از تولید کوچک و حتی ماقبل سرمایه داری همراه است.

به این قسمت از مالکیت خصوصی که در دست مالکان کوچکی که دهقان، پیشه‌ور یا کاسب هستند، تولید کوچک پیشه‌وری می‌گویند. در اقتصادی که از این شیوه تولید زائیده می‌شود، تولیدکنندگان در عین حال کارفرمایانی هستند که یا برای مصرف شخصی و یا برای فروش جری یا فروش کلی تولید می‌کنند. علی‌القاعده مصالح این تولید ابتدایی، اندک و رابطه آن با صنعت بزرگ به طور نسبی ضعیف و پایدار است.

همانطور که تجربه ساختمان سوسیالیستی نشان داد، تولید کوچک کالایی، حتی بعد از انقلاب در بسیاری از موارد موقعیت خود را حفظ نموده است. در روسیه ۷ سال پس از انقلاب اکتبر بهره‌برداریهای کوچک دهقانی کماکان بیش از نیمی از تولید ملی را تامین می‌کرد. همچنین باید گفت که بعد از انقلاب تا مدت کم و بیش درازی، بخش سرمایه داری خصوصی که مرکب از موسسه‌های هنوز ملی نشده و در مالکیت سرمایه داران باقی مانده است، هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد. پس از انقلاب سرمایه داری خصوصی از تولید کوچک پیشه‌وری و بخشی از اقتصاد کوچک که کارگران مزد بگیر را مورد بهره برداری قرار می‌دهد، تغذیه می‌کند. سهم تولیدی که این بخش انجام می‌دهد، ضعیف است اما نقش سرمایه داری خصوصی قابل توجه‌تر از آن است که به نظر بیاید. نیروی اصلی بورژوازی سرنگون شده اما هنوز خطرناک است. این بورژوازی با تولید کوچک کالایی تا مدت‌ها زمینه مساعد و همواری را برای ایجاد دائمی عناصر سرمایه داری نگاه می‌دارد.

بنابراین در دوره گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم وجود الزامی سه شیوه اقتصادی در همه کشورها مشاهده می‌شود: بخش سوسیالیستی که به تازگی پدید آمده، تولید کوچک کالایی قدیم و بخش سرمایه داری خصوصی. بخش اخیر کم و بیش از بخش ماقبل تغذیه می‌کند.

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

بنا بر اوضاع و احوال تاریخی و اقتصادی، شیوه های اقتصادی دیگر نیز ممکن است اضافه شود. اما شیوه سوسیالیستی در میان همه این شیوه ها نقش هدایت کننده دارد. این شیوه قلمرو صنعت، حمل و نقل، بانک ها و بازرگانی عمده را که مجموعاً زیر بنای یک اقتصاد جدید را می سازند، فرا می گیرد.

بدین سان مشاهده می نماییم که اقتصاد دوره گذار پرده دره می از عملکردهای شیوه های اقتصادی گوناگون را در بر می گیرد و تضاد های درونی این مرحله بسیار زیاد می باشد و مبارزه اقتصادی اساساً بر بنیاد برخورد میان شیوه سوسیالیستی و شیوه قدیم سرمایه داری است تا با فزونی گرفتن کامیابی های سوسیالیسم، شیوه سوسیالیستی بسط پیدا کرده و همه اقتصاد را در بر گیرد.

سیاست اقتصادی نپ

آنچه سیاست اقتصادی نپ نامیده می شود، عامل موثری بود برای پایان دادن به شیوه های اقتصادی دوران گذار و تضمین پیروزی عمومی شیوه سوسیالیستی. نپ در بدو تولد، در نخستین سالهای حکومت شوروی سوسیالیستی، توسط حزب کمونیست اتحاد شوروی به رهبر لنین پدید آمد. اجرای این طرح مرحله مهمی را در گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم رقم زد. هدف آن غلبه بر نتایج ورشکستگی، پایه ریزی اقتصادی سوسیالیسم، توسعه صنعت بزرگ، از میان بردن فاصله شهر و روستا، تحکیم اتحاد میان طبقه کارگر و دهقان و حذف عناصر سرمایه داری بود که همه و همه به پیروزی سوسیالیسم می انجامید.

این هدف های گوناگون از طریق توسعه حداکثر تعاون و تجارب و از راه بکارگیری عوامل و محرک های مادی و خودجوشی متوازن قابل تحقق بود. برای برپا داشتن و توسعه بخشیدن هر چه سریعتر به اقتصاد این اصل مورد قبول قرار گرفت که سرمایه خصوصی فرا خوانده شود. البته این در حالی بود که دولت کارگری مواضع کلیدی را در دست داشت به نحوی که قادر بود نظارت موثری داشته باشد و اقتصاد را در جهت منافع زحمتکشان هدایت نماید.

اصول مهم سیاست اقتصادی نپ واجد ارزش بین المللی است. این اصول در کلیت خود عبارتند از بازگشت به مناسبات کالا - پولی و به مقوله های قیمت، سود، اعتبار و غیره. این اقدامات سبب بهره گیری از خودجوشی و به مثابه روش اصلی اقتصاد سوسیالیستی می شود و همچنین سبب رشد تعاون و تجارب و فراخوانی سرمایه خصوصی و غیره می گردد.

پیروزی کامل شیوه سوسیالیستی، تشکیل اقتصاد سوسیالیسم مستلزم انتقال الزامی به مالکیت سوسیالیستی در مورد اموالی است که در اختیار تولید کنندگان کوچک و دهقانان قرار می گرفت. راهی که می توان به این مقصود رسید همانا تعاونی کردن کشاورزی است.

تعاونی کردن کشاورزی

(۱)

به طور کلی ضرورت تحول سوسیالیستی کشاورزی دو علت دارد. اولاً طبیعت خود تولید کوچک کالایی سبب تمایل آن به توسعه پذیرفتن در راه تولید سرمایه داری می گردد. در این جریان بخش بزرگی از اقتصادهای کوچک ورشکسته می شوند و این در حالی است که در قطب دیگر دهقانان ثروت اندوخته و آغاز به استخدام و بهره کشی از مزدبگیران می کنند. این بدان معناست که زمینه مناسبی برای اقتصاد سرمایه داری، بقاء و بازپیدایی و خلاصه استقرار سرمایه داری تا هنگامی که بخش تولید کوچک کالایی وجود دارد، باقی است.

از سوی دیگر مناسبات سوسیالیستی که به دنبال اقدامات ملی کردن در صنعت جای گرفته، سطح رشد ارتقاء یافته ای را تضمین می کند. اما کشاورزی کوچک، تجزیه شده با تکنیک و ابزار ابتدایی قادر به تامین تولید توسعه یافته و کمیت کالاهای ضروری برای زیست جمعیت و مواد اولیه مورد تقاضای صنعت نیست.

در بدو امر به نظر می آید که مساله دشوار نیست و برای حل آن بسنده است تا بلافاصله اقتصادهای کوچک ملی شود و به بخش دولتی منتقل گردد. اما در واقع این مساله ای است که باید در اطراف آن بسیار تامل شود زیرا در میان تولید کنندگان کوچک همه مالکان بهره کش نیستند و یک تولید کننده کوچک غالباً زحمتکشی است که نان خود را از طریق زحمت به دست می آورد و از اینرو نمی توان اموال او را همانند یک سرمایه دار بزرگ و یا زمین دار مهم صادره کرد. دیگر آنکه نمی توان از روانشناسی بسیار ویژه دهقان که با زمین و مزرعه و وسایل کشاورزی خود همانند و یکی شده است چشم پوشی نمود.

همچنین نمی توان تولیدهای کوچک را از طریق بازخرید آن به قیمت معقول و استخدام همه تولید کنندگان کوچک در موسسه های دولتی با مزد نه کمتر از درآمد قبلی، به مالکیت دولت درآورد. دلیل روشن عملی نبودن این کار در این حقیقت نهفته که بقای این اشکال اقتصادی گواه رشد ناکافی نیروهای مولده می باشد. اگر همه تولید کنندگان کوچک نیز از مالکیت خود چشم ببوشند خود را در اختیار جامعه و نماینده آن دولت خلقی قرار دهند، باز هم این کار شدنی نیست. در اینجا اراده و حسن نیت تکافو نمی کند. از لحاظ نظری و روی کاغذ شدنی است اما در واقع اگر رشد نیروهای مولده کافی نباشد با همان اقتصادهای خرد عقب مانده برخوردار از وسایل کهنه و سازمان بد سروکار داریم که تولید کنندگان منزوی و پراکنده آنها می گردانند.

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

دهقانان خرد و کارگران کشاورزی محروم از همهء مواهب به امید انجام گرفتن اصلاحات عرضی و رسیدن به زندگی مرفه تر در انقلاب شرکت می کنند و انقلاب ظفرمند مجاز نیست که آنان را ناامید سازد. به طور کلی بخش بزرگی از زمین های متعلق به سرمایه داران و اربابان در اختیار کسانی قرار می گیرد که بر روی آن کار می کنند یعنی در اختیار کارگران کشاورزی، دهقانان تهی دست و متوسط. این نشان می دهد که بعد از انقلاب اقتصاد دهقانی نه در جهت پیوستگی بلکه در جهت انفصال و تجزیه حرکت می کند و تعداد تولیدهای خرد کشاورزی به جای کاستی گرفتن، افزایش می یابد.

در چنین اوضاع و احوالی **تعاونی کردن کشاورزی** معقول ترین راه حل برای تحول در کشاورزی و از میان بردن تضادهای میان صنعت سوسیالیستی و کشاورزی خرد خصوصی است. براساس توافق مشترک، مالکان خرد روستا که همان دهقانان باشند در واحدهای بزرگ موسوم به کئوپراتیوها گرد می آیند.

خصوصیت اصلی کئوپراتیوهای تولید آنست که کار و وسایل اصلی تولید در آنها اجتماعی است. کئوپراتیوها بنا به درجه رشد خصلت جمعی، اشکال گوناگون به خود می گیرند. مثلا در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و سایر کشورهای سوسیالیستی که وجود داشتند، سه شکل اصلی را می توان متمایز کرد:

۱- شرکت های کار جمعی به روی زمین کئوپراتیو :

در این شکل وسایل تولید و زمین اجتماعی نشده و تنها کار دستجمعی است. کشاورزان در اینجا به منظور انجام مشترک کارهای گوناگون کشاورزی مجتمع می شوند.

۲- کئوپراتیو همراه با اشتراک وسایل تولید و کار، اما زمین همچنان در مالکیت خصوصی باقی می ماند. درآمد حاصله بنا به قسمت های گوناگون تقسیم می گردد. بیشتر این درآمد بنا بر کار توزیع می گردد و بقیه آن با مقدار زمینی که هر عضو کئوپراتیو در اختیار دارد، تقسیم می شود.

۳- آرتل کشاورزی که در آن زمین، کار، وسایل تولید همه به صورت اشتراکی در آمده اند توزیع منحصر بر حسب کار صورت می گیرد. این کئوپراتیو از نوع کاملا توسعه یافته است.

نتیجه تعاونی کردن، از میان رفتن تدریجی کشاورزی مبتنی بر تولید خرد خصوصی و توسعه مالکیت سوسیالیستی و جمعی است. عمل تعاونی کردن بنا بر طبیعتش با مالکیت دولتی همساز و در آن قابل جذب است. مالکیت دولتی و تعاونی هر دو به شیوه یکسانی بهره کشی را منتفی کرده و اصل توزیع بر حسب کار را عملی می سازند. با این همه مالکیت تعاونی مانند مالکیت دولتی به همه مردم تعلق ندارد، بلکه متعلق به اعضای کئوپراتیو است. در اینجا با نوعی مالکیت سوسیالیستی گروهی سروکار داریم.

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

اجتماعی شدن کار و وسایل تولید که سبب تحقق برنامه تعاونی کردن می شود به هیچ وجه به القای کامل مالکیت فردی نمی انجامد. عضو کئوپراتیو، منزل، وسایل خانگی و پاره ای از ابزار کار و غیره را برای بهره برداری از قطعه زمین کوچکی که در اختیار او گذاشته شده، صاحب است.

تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نشان داده است که تعاونی کردن کشاورزی یکی از باریکترین و دقیقترین اعمالی است که مستلزم وجود ثروت های مادی قابل ملاحظه، کادریهای برجسته و کاری سخت در زمینه آموزش و پرورش از سوی حزب کمونیست و دولت کارگری است. این اقدامی است که الزاما مقاومت دشمنان طبقاتی و تحلیل رفته را برمی انگیزد. لازم است که عمل تعاونی کردن بر روانشناسی خرده مالکی که لاینفک دهقان است، غلبه نماید. همچنین این برنامه مستلزم غلبه بر عادات و عقب ماندگی های روستایی و از میان برداشتن بی اعتمادی های سنتی در قبال شهر و طبقه کارگر است که همه میراث جامعه کهنه مبتنی بر استثمار است. اما علیرغم این همه دشواری ها، تعاونی کردن هدفی کاملا دست یافتنی است و حل و فصل نیکوی آن بیشترین اهمیت را برای ساختمان سوسیالیسم داشت .

(۲)

لنین طرح تعاونی کردن کشاورزی را گسترش داد. در بنیان این طرح اصل عضویت داوطلبانه وجود داشت. لنین و حزب کمونیست همواره مخالف تحمیل دیوانسالارانه و اجباری کئوپراتیوها بدون توجه به عقیده دهقانان بودند و بارها تاکید می ورزیدند که تعاونی کردن باید از راه اقناع و تعقل صورت گیرد. بدینسان که امتیازهای اقتصاد تعاونی شده در مقابله با اقتصاد خرد کالایی فردی برای کشاورزان امری یقینی گردد.

در طرح لنین پیش بینی شده بود که تجدید و دگرگون سازی سوسیالیستی روستا باید متدرجا با حرکت از اشکال تعاونی ابتدایی تر به اشکال عالی تر صورت پذیرد. در این مهم باید اوضاع و احوال محلی و جغرافیایی - اقتصادی و غیره را در نظر داشت و بر اصل اداره دموکراتیک کئوپراتیوها و رابطه متوازن منافع شخصی و همگانی تکیه نمود. در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برنامه تعاونی کردن به مدت ده سال به طول انجامید.

لنین بر ضرورت مطلق یاری دولت کارگری به کئوپراتیوها و تحکیم و توسعه اتحاد طبقه کارگر و دهقان پا می فشرد. این یاری، تجهیز فنی کئوپراتیوها، استعمال علم کشاورزی جدید و شیوه های دیگر و توسعه حداکثر تجارت میان دولت و کئوپراتیو، میان شهر و روستا را فرا می گیرد. همه این یاری ها زمینه را برای تولید کشاورزی و بهبود وضع دهقانان مساعد می کند. دهقانان با احساس این یاری

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

همیشه از سوی طبقه کارگر در قدرت، در خود نسبت به این طبقه احساس احترام و اعتماد می‌کنند و به نوبه خود به سازندگان سوسیالیسم بدل می‌شوند.

تعاونی کردن نتیجه مطلوبی برای تولید کشاورزی به بار می‌آورد. بهره برداری‌ها وسعت می‌گیرد. دستمزدها به صورت معقولتری در می‌آید و وسایل تولید مجتمع می‌گردند. صرف اشتراکی کردن وسایل تولید روستایی، بدون بهره‌گیری از امکانات و وسایل جدید تنها در صورتی برای ارتقاء حاصلخشی کار بسنده است که اقتصاد جمعی از سازمان عقلایی برخوردار باشد. در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی صرف گردآمدن در درون نخستین کئوپراتیوها سبب افزایش حاصلخشی کار از ۲۵ تا ۳۵ درصد در مقایسه با تولید فردی گردید.

این مرحله تولید مانوفاکتوری (یعنی مجتمع شده ولی هنوز مکانیزه نگردیده)، در درون کئوپراتیوهای کشاورزی در کشورهای که از نظر بسط و توسعه صنایع به ویژه در بخش ماشین‌های کشاورزی ناتوانند و بخش بزرگی از کارپیشگان کلا یا بعضا بیکارند، می‌تواند تا مدت‌های مدید، بهره‌ها و امتیازهای فراوان به بار آورد. دولت، کئوپراتیوهای بدین شکل صورت گرفته را تجهیز می‌کند و کشاورزی به تدریج مکانیزه می‌شود.

اگر تولید وسایل کشاورزی هنوز ضعیف بوده و امکان داشتن آنها برای کئوپراتیو مقدور نباشد، دولت باز دخالت می‌کند و به هزینه خود یا با مشارکت کئوپراتیوها ایستگاههای ماشین و تراکتور پدید می‌آورد که در مالکیت خود دولت و یا در مالکیت مختلط دولت و کئوپراتیوها قرار دارند.

کارگران و مهندسين این ایستگاهها وسایل کشاورزی را که برای کشت زمین کئوپراتیوها، بذرافشانی و درو گردآوری شده به کار می‌برند. این خدمات بر حسب مورد به طور جنسی یا نقدا پرداخت می‌شود. ایستگاههای ماشین‌ها و تراکتورها دهقانان را با فنون کشاورزی و استعمال ماشین‌ها آشنا می‌نمایند. این ایستگاهها نقش مدرسه روستایی را در جهت تربیت رانندگان تراکتور و ماشین‌های درو و خرمن‌کوب و سایر فن‌پیشگان کشاورزی ایفا می‌نماید.

هنگامی که وسایل کشاورزی به حد کفایت وجود دارد، کئوپراتیوها با آمادگی لازم می‌توانند همه وسایل مورد نیاز را از دولت خریداری کنند. این نوع ایستگاهها که در اصل کمک فنی دولت به کشاورزان را شکل می‌دهد، برای نخستین بار به نام ایستگاههای ماشین و تراکتور در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پدید آمد.

این ایستگاههای ماشین و تراکتور تحت اشکال دیگری در اوضاع و احوالی دیگر می‌توانند در کشورهای دارای دموکراسی توده‌ای به وجود آیند و در جهت توسعه و تکامل تولید تعاونی، ارتقاء و بارآوری آن و کیفیت تجاری و قابلیت عرضه آن فعالیت کنند.

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

بدین سان تجدید ساختمان اجتماعی و فنی اقتصاد روستا عملی می‌شود. این اقتصاد که ابتدا خرد و انفرادی است، بزرگ و اجتماعی و قادر به تولید گسترده می‌گردد. با سازمان تعاونی‌ها بر فقر و بهره‌کشی و تقسیم اجتماعی دهقانان به عناصر تهی دست متوسط و غنی پایان نهاده می‌شود. همه تبدیل به افراد برابری می‌شوند که از حق کار و پاداش و مزدی بر حسب کمیت و کیفیت کار عرضه شده برخوردار می‌گردند. اقتصاد بزرگ مکانیزه و اجتماعی شده آنها به صنایع ملی شده متصل می‌شوند تا شالوده استوار اقتصاد سوسیالیستی را پدید آورند.

برنامه تعاونی کردن همه امکانات بیماری سرمایه داری را همچون معامله گران خصوصی صنعتگر انفرادی از میان می‌برد و در این صورت پیروزی کامی سوسیالیسم از درون تضمین می‌شود. با اتمام تعاونی کردن دهقانان و دیگر خرده مالکان (تولید گران خرد، پیشه ور و کسبه) از میان برداشته می‌شوند. از آن پس شیوه تولید سوسیالیستی دیگر ساختی در میان ساختها نیست بلکه یگانه نظامی می‌شود که همه رشته‌ها را فرا می‌گیرد.

بدین سان نتیجه می‌گیریم که سوسیالیسم که بر شالوده مالکیت جمعی استوار است ممکن نیست قبل از انقلاب در درون نظام ماقبل خود زاییده شود و نه به طور نهایی در فردای انقلاب پدیدار می‌شود. ساختمان سوسیالیسم دوران گذاری را می‌طلبد که در آن التقاط و امتزاج شیوه‌های اقتصادی به طور عینی فرصت‌های ناگزیری را برای راه سوسیالیستی و سرمایه داری، هر دو پدید می‌آورد. اما راه قطعی و طریق نهایی بستگی به سیاست اقتصادی طبقات در قدرت و آفرینندگی توده‌های از بند رسته‌ای دارد که عمیقا به پی‌افکندن سوسیالیسم اشتیاق دارند.

صنعتی کردن سوسیالیستی

(۱)

صنعتی کردن سوسیالیستی و ایجاد صنعت بزرگ جدید بر پایه واپسین پیشرفت‌های علمی و فنی، شرط اصلی و اجتناب ناپذیر ساختمان سوسیالیسم و شالوده این ساختمان به ویژه برای کشورهای است که در این زمینه ناتوانند یا رشد کافی ندارند.

صنعتی کردن و به ویژه پایه ریزی صنعت سنگین، سنگ بنای جامعه سوسیالیستی در آغاز دوران گذار است. لنین می‌نویسد:

" بنیان مادی سوسیالیسم چیزی نیست جز صنعت بزرگ مکانیک که قادر است کشاورزی را نیز تجدید سازمان کند. " (و . لنین، مجموعه آثار)

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

این کار به ویژه برای کشورهای که در حال بنا کردن سوسیالیسم هستند و از صنعت پیشرفته محرومند و کشورهای فلاحتی که در آنها اشکال اقتصادی ماقبل سرمایه داری باقی مانده است، اهمیت فراوان دارد. بیشتر کشورها در گذشته خود فلاحتی بوده اند.

حتی در روسیه قدیم که پنجمین مکان را از لحاظ تولید صنعتی در جهان دارا بود (بعد از ایالات متحده، آلمان، انگلستان و فرانسه) کارهای صنعتی به علاوه کارهای ساختمانی ۴۲,۵ درصد فعالیت های اقتصادی را تشکیل می داد و ۵۷,۵ درصد از فعالیت ها به کارهای کشاورزی مربوط می شد. از لحاظ تجهیزات روسیه چهار مرتبه از انگلستان، پنج مرتبه از آلمان و ده مرتبه از آمریکا عقب تر بود. نزدیک به نیمی از ماشین ها و تجهیزات از خارج وارد می شد. برنامه صنعتی کردن سوسیالیستی شالوده مادی و فنی سوسیالیسم را ایجاد می کند. تداوم پیشرفت علمی و فنی، توسعه دائمی حاصلبخشی کار، تجهیزات فنی و بهبود شرایط کار را تضمین می نماید. اینکار امکان تجدید بنای هم بخش های اقتصادی را بر مبنای فن جدید و تثبیت استوار پیشرفت دانش، فن و فرهنگ را پدید می آورد. همچنین امکان می دهد تا استقلال کامل سیاسی و اقتصادی استوار گردد و بنیه دفاعی در برابر ارتجاع امپریالیستی تحکیم شود.

اثرات اجتماعی و سیاسی صنعتی شدن کمتر نیست. صنایع بزرگ، مالکیت اجتماعی را در زمینه مهم اقتصادی تثبیت کرده، سبب حذف عناصر سرمایه داری شهر و پیروزی شیوه سوسیالیستی در صنعت می گردد. همراه با صنعت بزرگ، طبقه کارگر وسعت می گیرد و اثر این طبقه در زندگی اجتماعی و نفوذش در سایر قشرها افزون می شود و این بدان معناست که نه تنها بنیان اقتصادی بلکه شالوده سیاسی دولت کارگری تقویت می شود.

(۲)

باید در نظر داشت که صنعتی کردن سوسیالیسم اشکال و روش های آن از بنیاد با برنامه صنعتی سرمایه داری متفاوت است. صنعتی کردن سرمایه داری همراه با بهره کشی از کارپیشگان، غارت کشورهای کم رشد و یا تحمیل جنگ به کشورهای مغلوب صورت می پذیرد. اما صنعتی کردن سوسیالیستی به اعتبار انباشت درونی که نتیجه فزونی گرفتن بارآوری کار از راه برنامه ریزی و به کارگیری معقول منابع انسانی، مالی و مادی انجام می شود.

هدف های این دو نیز متفاوت است. هدف از گسترش صنایع در سرمایه داری به دست آوردن حداکثر سود است در حالیکه منظور از این عمل در سوسیالیسم خدمت به انسان کار، ارضاء نیازها و تضمین رشد موزون اوست. مسلماً این کار آسان نیست، صنعتی کردن مستلزم تلاش بی حد مردم، تدارکات بسیار و گام همراه با دشواری ها و محرومیت هاست. مردم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که نخستین پیوندگان راه سوسیالیسم بودند، در این راه ایثارهای فراوان کردند. کشور آنان عقب مانده و

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

توسط جنگ اول جهانی و نبردهای داخلی در هم ریخته بود. سرزمینشان از هر سو و از سوی دشمنانی که سعی می کردند به هر وسیله از محاصره اقتصادی گرفته تا دخالت نظامی ساختمان سوسیالیسم را متوقف کنند، محاصره شده بود. امپریالیست ها که عادت ندارند جز به بهای استقلال سیاسی به کشوری پول بپردازند، شرطی که مسلما برای کارگران و دهقانان پذیرفتنی نبود، از دادن وام سر باز زدند. بنابراین یک راه بیشتر وجود نداشت: تنها به روی خود حساب کردن و بر اراده، نیرو و کار خلق انقلابی تکیه نمودن. دشواری ها کثیر بود و ریاضت ها دشوار. اما شوروی ها بر آن غلبه نموده و صنعت نیرومندی بنیان گذاشتند که بی وقفه در حال رشد و تکامل بود.

کشور شوراها سرتاسر دگرگون شد. بخش های صنعتی بزرگ پدید آمدند و شبکه ای از کارخانه ها و مراکز برق شکل گرفتند. در مقایسه با سال ۱۹۱۳ تولید ملی در سال ۱۹۴۵، ۷,۷ برابر رشد یافت و این رقم در صنایع سنگین به ۱۲ درصد رسید و تولید مواد مربوط به مصرف بزرگ پیشرفت همانندی کرد. تولید انرژی برق ۲۵ برابر شد. کشوری که قبل از انقلاب ماشین های تولیدی وارد می نمود، در این زمینه نه تنها نیازهای خود را برطرف کرد بلکه به صدور این ماشین ها دست زد. کامیابی هایی که در زمینه صنعتی کردن به دست آمد امکان پدید آمدن کشاورزی جمعی مجهز به وسایل جدید، ارتقای رفاه مردم و تحکیم بنیه دفاعی ملت و همه اردوگاه سوسیالیستی را پدید آورد.

مخالفان سوسیالیسم علمی می گویند که صنعتی کردن، توسعه رفاه ملی را کند می کند و راه را بر روی رشد کشاورزی می بندد. آنان استدلال می کنند که رفاه ملی قبل از همه به تولید خوب مواد غذایی، پوشاک و سایر مواد مصرفی مربوط می شود. موادی مانند نان، گوشت، شیر و مواد دیگر و همچنین موادی که در صنعت سبک به کار می روند. از آنجا که بیشتر این مواد محصولات کشاورزی هستند، باید نه صنعت بلکه کشاورزی را مقدم داشت.

این استدلال ظاهر معقولی دارد، اما نباید فراموش کرد که در روزگار ما کشاورزی بدون صنعت پیشرفته امید موفقیت ندارد. نیاز به مواد غذایی و کشاورزی آنچنان وسعت گرفته که ارضای آن جز از طریق کشاورزی بسیار پیشرفته، مکانیزه و متکی به روش های علمی میسر نیست و چنین فلاحتی از صنعت رشد یافته جدایی ناپذیر است. روستا نیازمند ماشین های بسیار بارآور، کود شیمیایی و غیره است و همچنین باید گفت که مردم روستا نیازمند لباس، کفش، وسایل خانگی و فرهنگی هستند که تنها شهر می تواند در اختیار آن بگذارد. بنابراین روستایی نیاز حیاتی به صنعت شهری دارد و بدون آن زندگی برایش دشوار است.

منحصرا تجهیزات فنی پیشرفته در درجه معینی است که امکان می دهد روستا در راه سوسیالیستی رشد کند، عقب ماندگی مزم برطرف شود و خرافات که همراه حیات روستایی است از میان رود. لنین می نویسد:

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

" و سازمان صنایع بر پایه متعالی جدید امکان ارتقاء فرهنگ روستا و از میان بردن عقب ماندگی، جهل، فقر، بیماری و توحش را در دورافتاده ترین گوشه ها فراهم می آورد. " (و . لنین، مجموعه آثار) تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نشان داده است که صنعتی کردن برای ارتقای حاصلخشی کشاورزی و رهاندن کشاورزان از نیاز و گرسنگی و دگرگون ساختن وجدان اجتماعی، شیوه زندگی و فرهنگ آنان ضرورت تام دارد.

ممکن است یاری های شهر به روستا همواره بدانسان که آرزو می شود، فوری و بی فاصله نباشد.

در محدوده زمانی معین و به ویژه در مرحله ابتدایی صنعتی شدن، روستا از این لحاظ بر شهر سبقت می گیرد و مساعدت هایی به شهر می کند. اما بعد هنگامی که شهر دگرگون می شود، دین خود را کاملا می پردازد. از آن پس دیگر روستا نیز از امتیازات صنعتی شدن بهره مند خواهد شد.

بنابراین صنعتی کردن کلیدی است که در شالوده سوسیالیستی را به روی اقتصاد ملی و از جمله کشاورزی می گشاید. نباید تصور کرد که کشورهایی که راه سوسیالیسم را برمی گزینند، باید همه رشته هایی را که صنعت جدید از آنها ساخته می شود را پی گذارند. این کار غیر قابل تحقق و در عین حال بلی فایده است. در زمان ما روزگار تخصص و همگاری تولیدها، هر کشوری می تواند تلاش خود را به روی رشته های برگزیده چندی متمرکز کند و نیازهای دیگر خود را از سوی کشورهای دوست و با بعضا کشورهای سرمایه داری تامین نماید.

در پایان اضافه می نمایم که مساله صنعتی شدن برای کشورهایی که صاحب پاره از صنایع هستند، با حدت کمتری مطرح می شود، ولی به هر حال تکامل و رشد صنعتی برای همه کشورها ضروری است.

خصلت خود به خودی رشد اقتصادی در دوران سرمایه داری

سوسیالیسم از خود زاییده نمی شود بلکه نتیجه عمل آگاهانه توده هایی است که از جانب دولت کارگری و حزب مارکسیستی هدایت می شوند. سیاست دولت و حزب به انجام رساننده این نقش است و به ویژه سیاست اقتصادی در کامیابی های سوسیالیستی نقش مقدم را داراست. وظیفه اصلی این سیاست در مرحله گذار، پایان دادن به مکانیسم خود به خودی بازار و سازمان دادن اداره مبتنی بر نقشه است.

با وجود آنکه با پیدایی سرمایه داری دولتی، دولت بورژوازی اقداماتی در جهت پایان دادن به بازی کور بازار به عمل آورد و کوشید تا رشد اقتصادی را بر نقشه و برنامه متکی سازد، از لحاظ کلی این تلاش هل بی ثمر ماند. در اینگونه دولت ها هیچ چیز مانع آن نمی شود که هر صاحب تولیدی تولیدش را در جهت منافع و خواسته هایش هدایت نکند. کمال مطلوب یک کارخانه پارچه بافی پنبه ای در آن است

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

که دسترنج را به نازل ترین بها و الیاف پنبه را به ارزان ترین قیمت بخرد و پارچه هایش را به بیشترین بها بفروشد. دهقان نیز آرزوی فروش محصولات خود به بیشترین قیمت را دارد در حالیکه برعکس نمایندگان مرکزهای تجاری که محصولات کشاورزی را گرد می آورند، درصددند که این محصولات را به پایین ترین قیمت خریداری کنند تا سود خود را به حداکثر برسانند. این وضع نمایشگر آنست که جامعه در مجموع خود بیرون از همهء طرح ها، حرکت خود به خودی دارد و اقتصاد جامعه که بر پایهء مالکیت خصوصی و بهره کشی قرار گرفته، از نظارت می گریزد.

در چنین اوضاع و احوالی آیا رشد جامعه را اصلی سازمان می دهد؟

آری، بازار است که تولید کنندگان را در رابطه با یکدیگر قرار میدهد. نوسان قیمت ها سبب بیشترین و یا کمترین تقاضا در مورد هر مقوله از کالاهاست. اگر تقاضا زیاد باشد و کالاها کم، قیمت بالا می رود و اگر تقاضا کم باشد و کالاها فراوان، قیمت پایین می آید. بدینسان نوسان قیمت ها، حجم تولید را معلوم می دارد. خلاصه آنکه در جامعه ای که هر کس بدون نگرانی از وضع عمومی اقتصاد و موقعیت همهء شهروندان هدف و منافع خاص خود را دنبال می کند، بازار عنصر اساسی تنظیم اقتصادی است.

باید دانست که سرمایه داری انحصاری دولتی برای ارشاد و نظارت دولت جای وسیعی را در نظر می گیرد و حکومت بورژوایی اقدامات گوناگونی را در جهت غلبه بر بحران ها انجام می دهد و به عنوان نمونه سفارش های دولت به انحصارها به خصوص سفارش هایی را که خصلت نظامی دارند، توسعه می دهد، به آن ها کمک اقتصادی می کند و در دشواری ها وام در اختیارشان می گذارد. کالاهای اضافی را می خرد و انحصارها را با انباشتن غیر عادی انبار دولت می رهاوند و غیره.

هچنین دولت بورژوایی برنامهء اعتبارهای دولتی را با سرمایه گذاری های خصوصی مطابقت می دهد. سفارشات و مواد اولیهء کسری دار را تقسیم می کند و در مورد سیاست قیمت ها تصمیم می گیرد و این همیشه به نفع سرمایه داران تمام می شود. آنچنان که توزیع مجدد درآمد ملی در اثر بازی سیاست مالیاتی و به کار انداختن اعتبارها و اعانات دولتی در جهت نوکر کردن تجهیزات به نفع آنهاست و به کرات دیده می شود که دولت بورژوایی ابتکار ایجاد بخش های دولتی و تحقیقاتی جدید را به دست می آورد. قبول خطر سرمایه گذاری در این بخش ها و در مرحلهء آغازین آن هنگامی است که انحصارهای خصوصی امید سود چندانی از این بخش ها ندارند. هدف اصلی همهء این طرح ها کاستن از مکانیسم خود بخودی و کور بازار و تضمین رشد علمی و فنی و به ویژه یافتن راه حل است. اما اهمیت ارشاد دولت سرمایه داری هر چه باشد این ارشاد و نظارت هیچ ربطی به مدیریت علمی و برنامه ریزی حقیقی ندارد زیرا ایندو با مالکیت سرمایه داری در تضادند. این نظارت نه ماهیت امپریالیسم را دگرگون می کند و نه استثمار را از بین می برد. در اثر دخالت های دولت مکانیسم خودبخودی بازار و بالاخره رقابت ستیزه آمیز و آنارشی تولید از بین نمی رود.

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

بحران‌های اضافه تولید که کشورهای سرمایه داری با آن مواجه می گردند و نیز تورم و بالا رفتن قیمت ها و عدم موازنهء پرداخت ها، ورشکستگی های مالی و بورسی و غیره نمونه هایی از این بحران ها می باشند.

خلاصه هدایت و ارشاد انحصاری دولتی کاری جز آنکه تا حدودی رشد خود بخودی و کور سرمایه داری را تغییر داده و یا کند نماید، نکرده و چیزی را از بنیاد تغییر نمی دهد و بازار همیشه تنظیم کننده اصلی اقتصاد سرمایه داری بوده و خواهد بود.

رشد مبتنی بر نقشه در سوسیالیسم

(۱)

برخلاف سرمایه داری، سوسیالیسم برای مردم و به دست مردم ساخته می شود و مطابق با منافع همهء شهروندان است و امکان تطبیق با مکانیزم خود بخودی بازار را ندارد. مالکیت اجتماعی وسایل تولید، همهء تولید کنندگان را در درون اقتصاد واحدی پیوند می دهد. این اقتصاد در صورتی تکامل می پذیرد که به نحوی آگاهانه و مبتنی بر نقشه از سوی دولتی که نمایندگی جامعه را داراست، اداره شود. رشد مبتنی بر نقشه و متناسب، یک ضرورت عینی و قانونی رشد سوسیالیسم است.

در جامعهء بورژوایی، مطالعهء عامل تصادفی، یعنی رابطهء میان عرضه و تقاضا و نوسان قیمت ها این امکان را پدید می آورد که تکامل اقتصادی بی واسطه تا حدودی پیش بینی شود. اما دگرگون کردن اوضاع و احوال و ایجاد موثرهای ضروری، جهت دادن رشد اقتصادی در مسیر معین اموری هستند که آنارشی و رقابت آن ها را ممنوع کرده است. پیش بینی بورژوایی همانند پیش بینی هواشناسی است. در هواشناسی غالباً می توان پیش بینی های صحیح به دست آورد اما نمی توان باران و هوای خوب پدید آورد.

برعکس، مالکیت اجتماعی، وحدت منافع و اهداف تولید کنندگان سوسیالیستی نه تنها امکان پیش بینی وضع آیندهء تولید، تجارت و مصرف بلکه بیش از این جهت دادن رشد را متناسب با هدف های مورد نظر پدید می آورد.

(۲)

در جریان ساختن سوسیالیسم، آنارشی و عمل خود به خودی بازار آرام آرام جای خود را به تولید اجتماعی شده و مطابق نقشهء سازمان یافته می دهد که به نیازهای همهء جامعه و هر یک از اعضا

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

توجه دارد. برنامه ریزی اجازه می دهد تا اقتصاد در مقیاس همه جامعه هدایت شود. عوامل مطلوب جذب شوند و نیروهای مولده به طور معقول توزیع گردند و در منابع مادی و مالی و نیروی انسانی صرفه جویی گردد.

هر نقشه ای مبتنی بر صورت نشانی از عوامل توسعه اقتصادی است اما برنامه ریزی سوسیالیستی این کار را از آن جهت که اقتصاد خود را بدون تغییر نگاه دارد، انجام نمی دهد. هدف رسیدن به رشد مداومی است دکه نتیجه اش ساختمان جامعه جدید باشد. چنین هدفی به این اقتصاد خصلتی فعال و آفریننده می دهد.

گذار به برنامه ریزی سوسیالیستی جریانی بالنده و دراز مدت است که در اثر پیشرفت شیوه سوسیالیستی و در مقیاسی که مالکیت اجتماعی، مالکیت خصوصی را به عقب می راند، حاصل می گردد و شرط اصلی آن تصرف مواضع کلیدی اقتصاد از سوی دولت است: صنایع بزرگ، حمل و نقل و ارتباطات، بانک ها و تجارت خارجی.

شرایطی که در دوران گذار با عمل ملی کردن، رشد قطعیت یافته صنعت سوسیالیستی و تعاونی کردن کشاورزی فراهم می آید. با گسترش تولید سوسیالیستی میدان عمل برنامه ریزی فراخ تر می گردد. روزی که شیوه سوسیالیستی عمومیت یابد، مالکیت خصوصی به عقب رانده می گردد. یعنی در آن روز سوسیالیسم در اقتصاد به پیروزی دست می یابد و برنامه ریزی همه اقتصاد را فرا می گیرد. در آن روز برنامه ملی هدایت کننده اصلی رشد اقتصادی می شود. از آن پس بازار و بازی کور عرضه و تقاضا، مکانیسم خود به خودی قیمت ها و رقابت در فروش و خرید، دیگر هدایت کننده و تنظیم گر حیات اقتصادی نیست.

نظارت بر بازار، هدف دوران گذار

اما مکانیسم بازار باقی می ماند و تاثیر قابل ملاحظه ای در تمام طول دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و آنگاه در سوسیالیسم دارد. تاثیر این مکانیسم به ویژه در دوران گذار محسوس است. توضیح این امر آسان است. اگر در نظر بگیریم که در آن دوران شیوه های گوناگون اقتصادی رقیب در کنار یکدیگر هستند، بخش سوسیالیستی، تولید کوچک کالایی، سرمایه داری خصوصی، سرمایه داری دولتی. هر یک از این شیوه ها تولید خود را از طرف بازار به مصرف کننده عرضه می دارند. رابطه اقتصادی این شیوه ها از طریق بازار صورت می گیرد، زیرا راه دیگری برای اتصال آنها نیست. از طرفی این اتصال ضروری مبادلات است و بدون مبادلات دوران گذار نمی تواند رشد کند. بنابراین مبادله محصولات از مجرای تجارت و بازار تنها شکل پیوند اقتصادی است. از طرفی برنامه ریزی تنها هنگامی امکان پذیر است که اقتصاد اجتماعی شده و بر مالکیت ملی و یا تعاونی استوار باشد. از این رو دولت با

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

وساطت بازار می‌تواند در جهت مطلوب بر اقتصاد های دیگر اثر گذارد. برای این کار از پاره ای از اشکال سازمان یافته‌ی خرید محصولات، نظام قیمت ها، اعتبار دولتی و دیگر فنون تجارت بهره می‌گیرد.

بلافاصله پس از انقلاب دولت در برابر مساله بسیار بغرنجی قرار می‌گیرد: از یک سو باید بر بازار نظارت کند و آن را تابع نقشه کند و سازمان دهد و از سوی دیگر برنامه ریزی و فعال کردن عواملی دارد که از تولید کالایی ناشی می‌شود، عوامل و عناصری همچون قیمت، پول، سود و عوامل دیگر.

انقلاب تجارت و پول را ملغی نمی‌نماید و اندام های مالی و تجاری که آفریننده بوژوازی می‌باشند، بر جای می‌مانند. این نظارت بر بازار و این نوسازی نظام های تجاری بستگی به سطح تولید، تعداد و اهمیت مراکز تجاری، تقسیم منطقه ای آنها و درجه آمادگی دستگاههای جدید تجاری و نیز به اشخاصی بستگی دارد که خواستار عملکرد یک بازرگانی شایسته و مناسب هستند.

این نظارت در نخستین مرحله انقلاب تجارت عمده را فرا می‌گیرد که ملی شده و همچنین به صورت نظارت کارگری بر موسسات صنعتی و تجاری در می‌آید که در مالکیت سرمایه داری باقی مانده اند. در اینجا تاسیسات ملی شده بدل به استخوان بندی تجارت جدید دولتی می‌شوند، اما این موسسات به تنهایی قادر به پاسخگویی به تقاضا نیستند و در اینجا است که تعاونی مصرف به یاری خوانده می‌شود.

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تعاونی مصرف نقش بزرگی را ایفا می‌نمود. همانطور که در تجارت عمده نقش اصلی با دولت بود، وظیفه زدايش تدریجی خرده فروشان کوچک به تعاونی های مصرف سپرده شد. دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در طول ساختمان سوسیالیسم به ویژه حرکت تولید و حمل و نقل و تجارت عمده را هدایت می‌نمود اما تجارت جزئی، اساساً به شکل تعاون یعنی به صورت سازمان توده ای مستقلی که از سوی مردم هدایت می‌شد، رشد کرد.

مؤخره

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تعاونی مصرف نقش بزرگی را ایفا می‌نمود. همانطور که در تجارت عمده نقش اصلی با دولت بود، وظیفه زدايش تدریجی خرده فروشان کوچک به تعاونی های مصرف سپرده شد. دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در طول ساختمان سوسیالیسم به ویژه حرکت تولید و حمل و نقل و تجارت عمده را هدایت می‌نمود اما تجارت جزئی، اساساً به شکل تعاون یعنی به صورت سازمان توده ای مستقلی که از سوی مردم هدایت می‌شد، رشد کرد. بنابراین سازمان تجارت جدید در دو خط توسعه یافت:

رشد تجارت دولتی که در ابتدا از طریق ملی کردن و یا به شورای شهر سپردن موسسات سرمایه داری به وجود آمد و رشد تجارت تعاونی که پیدایی آن مربوط به قبل از انقلاب بود اما ماهیت و عملکردش

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

در اثر تاثیر نظام اقتصادی و سیاسی جدید دگرگون شد. هر دو بخش از یاری مستقیم دولت به صورت اعتبارهای متقابل و یاری های مالی و سایر اشکال همکاری اقتصادی برخوردار می شوند.

غلبه بر بازار تدریجا و به مقیاس پیشرفت تولید صورت می گیرد. همچنین تسلط بر بازار به نسبتی که دستگاه جدید تجاری همراه با کارکنان ارزنده صورت می گیرد، بیشتر می شود. حذف مبادله گران خصوصی به ویژه از مجاری اقتصادی، از راه اجرای قیمت های نازلتر، کاستن از هزینه های عمومی و نیز با عرضه کالاهای با کیفیت و مرغوبتر عملی می شود. بنابراین این جریان به توسعه شبکه تجاری اجتماعی شده می انجامد بدون آنکه کمیت کالاها نقصان پیدا کند.

سرمایه داری انسان را از شادی کارآفریننده محروم می دارد. او کار را به عنوان نوعی بیگاری و وسیله و ابزار زیست بدل می نماید. سایه گرسنگی کارگر را ناگزیر می سازد که تا زوال همه نیروهای جسمی و روحی خود برای سرمایه دار کار کند. سرمایه داری از او ابزار رامی برای ماشین می سازد و همه استعدادهای روحی را در او خشک می کند و نیروی جسمانی اش را به پایان می برد.

سوسیالیسم حق کار و آفرینش را در هر بخش به مردم کارپیشه ارزانی می دارد. در این جامعه که بهره کشی از میان رخت بسته، کارگران برای خود، برای مردم و برای جامعه کار می کنند. خصلت کار و برخورد شهروندان با آن عمیقا متحول می شود.

بر خلاف نظام سرمایه داری که کار را تحقیر و کارپیشه را خفیف می نماید، جامعه سوسیالیستی کار را تجلیل و کارپیشه را گرامی می دارد.

سرمایه داری به معنای نابرابری است. قبل از همه نابرابری اقتصادی که سبب می شود بخشی از جامعه با تصاحب ثروت های بیکران، مجلل زندگی کند و سرمایه بیاندوزد و بخش دیگر اکثریت مردم، آنها که نعمت های مادی با کار خود می آفرینند، ناگزیر در فقر و بی فرهنگی بسر می برند. در جامعه سرمایه داری مالکان وسایل تولید، قدرت سیاسی را در خود متمرکز ساخته، در حکومت جای گرفته، سرنوشت ملت را تعیین و قانون وضع می نمایند. آنها نه تنها دستگاه دولت بلکه مجموعه وسایل عمل و تاثیر روانی را در اختیار دارند: مطبوعات، رادیو، تلویزیون، ادبیات و هنرها که از آن برای حفظ حاکمیت اقتصادی و سیاسی خود و تثبیت بقای اقتصادی و اجتماعی سود می برند. از سوی دیگر اکثریت عظیمی عملا از حقوق سیاسی واقعی محرومند و قادر به بیان اراده و تعیین سیاست داخلی و خارجی نیستند و حتی نمی توانند اثر قابل ملاحظه ای بر آن داشته باشند.

کمونیسم، مناسبات عمیقا نوین و انسانی را میان مردم کارپیشه برقرار می نماید. مناسبات برادری، اصالت جمع و تعاون. در این جامعه جدید، دوستی و رفاقت قانون به شمار می آید و هر کس مطابق شعار " یک نفر برای همه و همه برای یک نفر " عمل می نمایند و این برای جامعه مبتنی بر مالکیت

تحولات اقتصادی در راستای رسیدن به سوسیالیسم وبلاگ «هدیه‌ای برای خاک»

اجتماعی، جامعه ای که کارپیشگان را گرد آورده و متحد گردانیده و هماهنگی آنان را در حل و فصل گوناگونترین مسائل اجتماعی تامین کرده، امری بسیار طبیعی است.

انسانگرایی عالی جامعه کمونیستی باز در همبستگی برادرانه کارپیشگان همه کشورها، در احترام متقابل به همه ملت های کوچک و بزرگ تجلی می یابد و با اعلام برادری زحمتکشان و نه با نژادپرستی، نه با ملی گرایی و نه با تجزیه مردم کارپیشه، هیچیک سازگار نیست.

پایان